

بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی

سارا گرامی*

دکتر محمدحسین کریمی**

چکیده

مقاله حاضر می‌کوشد به تبیین جایگاه سازها و اصطلاحات موسیقی در تصویرسازی قصاید خاقانی بپردازد. هدف از انجام این تحقیق، پاسخ دادن به این پرسش است که خاقانی به چه منظور و تا چه اندازه و به چه شیوه‌هایی سازها و اصطلاحات موسیقی را در تصویرسازی به کار برده و از چه شگردهای هنری بهره برده است. در این مقاله ابتدا به جمع‌آوری و دسته‌بندی ابیاتی که شاعر در آن‌ها از اصطلاحات و آلات موسیقی در تصویرپردازی استفاده کرده است پرداخته‌ایم؛ سپس سازها و اصطلاحات موسیقی بر اساس کاربردشان در تصویرسازی دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند و برخی از دشواری‌هایی که مربوط به اصطلاحات موسیقی و سازها بوده است، برطرف شده است. در نهایت می‌توان گفت که مطابق بررسی‌ها و مشاهدات انجام شده در قصاید خاقانی، از شکل سازها و آهنگ‌های سازها آن‌ها و اصطلاحات موسیقی به شیوه‌ای هنرمندانه برای تصویرسازی و تصویرپردازی‌های متنوع به کار گرفته شده‌اند؛ هم‌چنین از اسامی آلات و اصطلاحات موسیقی به منظور مضمون‌سازی برای ساختن مضامین هنرمندانه استفاده شده است. برخی از این مضامین در قصاید خاقانی به شکل یکسان با تفاوت‌هایی تکرار می‌شوند.

واژه‌های کلیدی

تصویرسازی، سازها و اصطلاحات موسیقی، تشخیص، توصیف، خاقانی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز. (نویسندهٔ مسؤول)

** استاد دانشگاه شیراز، گروه زبان و ادبیات فارسی، شیراز، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱۵

خاقانی شاعری است که بنا بر شیوه عصر خود، انواع علوم را اعم از علم نجوم، موسیقی، طب و... به شکل هنرمندانه در اشعار خود جای می‌دهد.

استفاده از نام آلات موسیقی و اصطلاحات آن در شعر خاقانی جایگاه ویژه‌ای دارد از این رو هدف این تحقیق، پاسخ‌دادن به این سوالات است: خاقانی از اصطلاحات و آلات موسیقی به چه منظورهایی استفاده کرده است؟ آیا سازها و آهنگ‌ها در تصویرسازی‌های او نقشی دارد؟ اگر نقشی دارد، در تصویرسازی‌های خود تا چه اندازه موفق بوده است؟

برای پاسخ دادن به این سوال‌ها ابتدا باید تصویر و موسیقی را شناخت.

«تصویر (ایماژ) پرکاربردترین اصطلاح نقد ادبی است که از دیرباز در بلاغت اسلامی مطرح بوده و در دوره شکوفایی نقد جدید در ادبیات غرب محبوبیت یافت» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۳۷)

«تصویر به مجموعه تصرفات بیانی و مجازی (از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز مرسل،

تمثیل، نماد، تشخیص، پارادوکس و...) اطلاق می‌شود.» (همان: ۴۲)

و موسیقی: هنر بیان احساس به وسیله صداهاست. مهم‌ترین عوامل تشکیل دهنده موسیقی

صدا و وزن هستند. (پورتراپ، ۱۳۶۹: ۱۳)

موسیقی در اصل به نواها و آهنگ‌هایی گفته می‌شود که انسان به وسیله سازهای مختلف ایجاد می‌کند، اما توسعاً به هماهنگی اصوات و نواها و آهنگ‌های کلامی انسان نیز گفته می‌شود و در نوشتار به ویژه در شعر نیز کاربرد ویژه دارد. به علاوه حسنی و خالقی در باره تأثیر آن نوشته‌اند:

«موسیقی نشانه جنبش زندگی، زبان احساسات و عواطف و بیان زیبایی و انسانیت است.»

(حسنی، بی تا: ۳)

«موسیقی صنعت ترکیب اصوات و صداهاست به طوری که خوش آیند باشد و سبب لذت

سامعه و انبساط و انقلاب روح گردد. بنا بر تعریف فوق پایه و اساس موسیقی صوت و صداست

که بدون آن موسیقی به وجود نمی‌آید.» (خالقی، ۱۳۱۶: ۶)

علم موسیقی هم به مانند هر علم دیگر اصطلاحات خاص خود را دارد که فقط در همان علم تعریف می‌شود: نوا، لحن، زخمه و آوا و

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های بسیاری در زمینه تصویرسازی یا در باره خاقانی صورت گرفته است، اما هیچ یک از آنان به صورت مستقل و کامل تصویرسازی با سازها و اصطلاحات موسیقی در دیوان خاقانی را مورد بررسی قرار نداده‌اند؛ بنا بر این در این مقاله تصویرسازی با مدد سازها و اصطلاحات موسیقی مورد بررسی قرار گرفته است. در این قسمت به بررسی برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه تصویرپردازی موسیقی یا خاقانی می‌پردازیم:

کتاب «رخسار صبح» (۱۳۷۶) نوشته میر جلال الدین کزازی. وی یک قصیده‌ای از خاقانی با مطلع «رخسار صبح پرده به عمداً برافکند» را از نظر واژه‌شناسی، زیباشناسی (تشبیه و استعاره و...) و ژرفاشناسی بررسی کرده است؛ اما این کتاب فقط همان یک قصیده را بررسی کرده است. مقاله «توصیف و تصویرگری در منظومه حماسه علی‌نامه» (زمستان ۱۳۸۵) نوشته اسحاق طغیانی و... این مقاله حماسه علی‌نامه را از نظر توصیف و تصویرگری مورد بررسی قرار داده است و در بحث تصویر، انواع تشبیه را به صورت آماری استخراج کرده است و هم چنین انواع کنایه و استعاره و... را همراه با نمونه آورده است.

کتاب ارمان صبح از دکتر نصرالله امامی. این کتاب گزیده‌ای از قصاید خاقانی را به همراه آرایه‌های ادبی آورده است. هم چنین در ضمن آرایه‌های ادبی به شرح سازها و یا تصویر ساخته شده از آنان نیز اشاره‌ای کرده است؛ اما این کتاب فقط چند قصیده را مورد بررسی قرار داده است.

کتاب «لغات تعبیرات، اصطلاحات دیوان خاقانی» (۱۳۶۳، ج ۳) به کوشش سید ضیاءالدین سجادی. این کتاب به شرح لغات و ترکیبات و معنی برخی اصطلاحات پرداخته است. و درباره سازهای موسیقی فقط اشاره کوتاه و کلی دارد و گاه به شکل ظاهری ساز توجه کرده است.

۹۴ □ بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی

چنان‌که ملاحظه شد هیچ‌کدام از تحقیقات یاد شده به سازها، آهنگ‌ها و تصویرسازی با آن‌ها در اشعار خاقانی نپرداخته‌اند و ما در این مقاله به این امر می‌پردازیم. خاقانی در به کارگیری اصطلاحات موسیقی و انواع سازها شیوه‌های متنوع به کار گرفته است. وی گاهی اصطلاحات موسیقی و سازها را برای تبیین مطلبی می‌آورد، اما بیشتر با آن‌ها تصویرسازی می‌کند. از آنجا که تصویرسازی‌های خاقانی با سازها از تنوع و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، انواع آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

- ۱- سازها و اصطلاحاتی که با آنان تصویرسازی می‌کند.
- ۲- سازها اصطلاحاتی که برای بیان مطلبی آمده‌اند بدون تصویرسازی.

۱- تصویرسازی با سازها و آلات موسیقی

تصویرسازی با سازها و آلات موسیقی را در اشعار خاقانی می‌توان به پنج گونه دسته‌بندی کرد: تصویرسازی با شکل ظاهری ساز، تصاویر خلق شده با موضوعات مختلف، تصویرسازی با شیوه نواختن ساز، تصویرسازی با شکل ظاهری و شیوه نواختن سازها و تصویرسازی با اسامی سازها. ما در این بخش از پژوهش نمونه‌هایی از آنان را بررسی می‌کنیم.

۱-۱- تصویرسازی با شکل ظاهری ساز

این مقوله در اشعار خاقانی فراوان است؛ بدین‌گونه که شاعر با استفاده از انواع تشبیه‌ها و استعاره با سازهای مختلف تصویرسازی می‌کند و معرفی و شرح و توضیح آن‌ها در درک مفهوم اشعار نیز بسیار موثر است.

۱-۱-۱- تصویرسازی با دف

گاه شاعر با استفاده از تشبیه‌های مختلف با دف تصویرسازی می‌نماید و آن را به شکارگاه، هلال ماه، چنبر و... تشبیه می‌کند. نمونه‌های زیر بیان‌گر همین مطلب است:

خم دف حلقه به گوشه‌ی شده چو کاسه‌ی بوز کاهو و گورش با شیر نر آمیخته‌اند

۹۵ بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی

شاعر با استفاده از تشبیه کامل، حلقه‌های اطراف دف را به کاسه در یوزه تشبیه کرده و با آوردن لفظ یوز ایهام تناسبی زیبا با الفاظ آهو و گور و شیر نر ایجاد کرده است. این بیت، تصویر شکل ظاهری دف را بیان می‌کند که دارای حلقه‌هایی است و مانند کاسه‌ گدایی فقیران است. هم‌چنین بر روی صفحه و اطراف هلالی آن، حیوانات شکاری نقاشی شده‌اند.

دف چون هلالی بدر سان گرد هلالش اختران هر سو دو اختر در قران جفتی چو جوزا داشته

(همان: ۳۸۳)

شاعر با استفاده از تشبیه کامل، دف را به هلال ماه تشبیه کرده است. هم‌چنین به مدد تشبیه، تصویر شکل ظاهری دف (مدور و هلالی) را به ذهن متبادر می‌کند.

دف هلال بدر شکل و در شکارستان او از حمل تا شور و جدیش کاروان انگیزخته

(همان: ۳۹۴)

تشبیه تصاویر روی دف به شکارگاهی که پر از حیوانات است. شاعر در این بیت با استفاده از صنعت تشبیه کامل تصویر شکارگاه را به ذهن متبادر می‌کند.

دف حلقه تن و حلقه به گوش است همه تن در حلقه سگ تازی و آهوی خطایی

(همان: ۴۳۵)

حلقه تن و حلقه به گوش بودن دف، تشخیص است؛ می‌توان گفت تصاویر خلق شده در این بیت، شکل ظاهری دف را به ذهن می‌رساند که درون دف حلقه‌هایی آویزان است و هم‌چنین بر روی دف حیوانات را نقاشی می‌کردند.

۱-۲-۱- تصویرسازی با کوس

شاعر در ابیات مختلف با استفاده از آرایه تشبیه کوس را به ایوان سلیمان و مار و ... تشبیه می‌کند. مانند:

کوس را بین خم ایوان سلیمان که در او لحن داوود به آهنگ دل آرا شنوند

(همان: ۱۰۱)

۹۶ بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی

شاعر با استفاده از تشبیه مضمّر، کوس را به خم ایوان سلیمان تشبیه کرده است و تصویر خلق شده در این بیت نشانگر شکل ظاهری کوس می‌باشد.

کوس چون مار شده حلقه و کوبند سرش بانک آن کوفتن از کعبه بصنعا شنوند

(همان: ۳۹۴)

در این بیت با استفاده از تشبیه کامل، کوس به ماری حلقه زده و گرد تشبیه شده است که سرش را می‌کوبند. شاعر با استفاده از آرایه تشبیه، تصویر ظاهری کوس (هلالی و مدور) را به ذهن متبادر می‌کند.

۱-۱-۳- تصویرسازی با رباب

در اشعار خاقانی، رباب به مدد آرایه‌هایی هم‌چون تشبیه و استعاره و... تصویرسازی می‌شود. مانند:

حلق رباب بسته طنابست اسیروار کز درد حلق ناله بر اعضاء بر افکند

(همان: ۱۳۵)

در این بیت، رباب به انسانی تشبیه شده که حلق دارد و هم‌چنین شکل ظاهری رباب را در نظر دارد که دارای چند تار است و گویی این تارها او را اسیر کرده اند و به همین خاطر ناله سر می‌دهند؛ ضمناً با شرح دادن شکل ظاهری این ساز، اسارت را به تصویر می‌کشد.

چار زبان رباب دوش به مجلس از طرب این هشت گوش را خبر آورد

(همان: ۱۴۸)

چار زبان استعاره از چهار سیم رباب است. این بیت علاوه بر تصویر شکل ظاهری رباب و تارهای آن تصویر شادمانی و طرب را به ذهن متبادر می‌کند.

برکاس رباب آخور خشک خر عیسی است کز چار زبان می‌کند انجیل سزایی

(همان: ۴۳۵)

خاقانی در این بیت، با استفاده از تشبیه مضمّر؛ یعنی با تشبیه کاسه رباب به آخور خشک، شکل ظاهری رباب را (کاسه رباب و تارهای آن) به تصویر می‌کشد.

۱-۱-۴- تصویرسازی با چنگ

شاعر در تصویرسازی با ساز چنگ مهارت ویژه‌ای دارد و شکل ظاهری این ساز را در ابیات گوناگون به مدد آرایه‌هایی چون تشبیه و استعاره به صورت دقیق به تصویر می‌کشد. مانند:

چنگست پای بسته، سرافکنده، خشک تن چون زرّقی که گوشت ز احشا برافکند

(همان: ۱۳۵)

مصرع اول، دقیقاً شکل ظاهری چنگ را شرح می‌دهد و در مصرع دوم با استفاده از تشبیه مرکب، شکل ظاهری چنگ به عقاب تشبیه شده است؛ بدین گونه که تارهای چنگ را که بینشان فاصله است تصویر عقابی که گوشت آن از استخوان و دنده‌های ریخته را به ذهن القا می‌کند.

حلقه ابریشم است و موی خوش چنگ چون مه نوکز خط ظلام برآمد

(همان: ۱۴۴)

شاعر با استفاده از تشبیه مرکب، حلقه ابریشم و تارهای چنگ را به ماه نو که در تاریکی شب در آسمان ظاهر می‌شود، تشبیه کرده است. به علاوه حلقه ابریشمی چنگ تصویر هلالی بودن را به ذهن متبادر می‌کند.

گرچه تن چنگ شبه ناقه لیلی است ناله مجنون ز چنگ مدام برآمد

(همان)

با استفاده از تشبیه مجمل، چنگ را به ناقه لیلی به لحاظ هلالی بودن تشبیه کرده است؛ ضمناً در این بیت هم تصویر ظاهری «چنگ» به ذهن متداعی می‌شود و هم ناله حزین چنگ (تشبیه کردن شکل چنگ به ناقه مدنظر است)

راستی چنگ را بیست و چهار است رود چون یکی از وی گسست کوژ شود بیگمان

(همان: ۳۳۳)

بیست و چهار رود استعاره از بیست و چهار تار چنگ است؛ هم چنین تصاویر خلق شده

۹۸ بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی

در این بیت به شکل ظاهری ساز اشاره دارد.

چنگ چون بختی پلاسی کرده زانوبند را وزسر بینی مهارش ساریان انگیخته

(همان: ۳۹۴)

در این بیت خاقانی، با استفاده از تشبیه کامل پوشش چنگ و تارهای آن را به شتر و زانوبند آن تشبیه کرده است؛ بنا بر این شاعر به مدد تشبیه، تصویر شکل ظاهری چنگ (تارهای چنگ) را به ذهن متبادر می‌کند.

ماه نو ما حلقه ابریشم چنگ است در گوش کن این حلقه چو در حلقه مایی

(همان: ۴۳۴)

تشبیه ماه نو به حلقه‌ی ابریشم چنگ (تار و سیم چنگ) تصویر هلال‌بودن را به ذهن متبادر می‌کند. چنگ است بدیبا تنش آراسته تاساق وز ساق بزیر است پلاس، اینست مرایمی

(همان: ۴۳۵)

در بیت مذکور دیبا استعاره از تارهای ابریشمی چنگ است و علاوه بر این، تصویر شکل ظاهری ساز نیز مدنظر است.

چنگی طیب بوالهوس بگرفته زالی را مجس اصلع سری کش هر نفس مویت در پارخته

(همان: ۳۷۸)

در این بیت، زال استعاره است از چنگ که حالت خمیدگی دارد و مو استعاره از تارهای چنگ. این ساز در مصرع دوم، مانند فردی است که موهایش ریخته باشد. شایان ذکر است که جمله‌ی مذکور، حامل دو معنا و تصویر است: یکی آن‌که که قسمت بالایی این ساز، به چوب ختم می‌شود و هیچ تاری بر روی آن چوب قرار نمی‌گیرد و مانند فردی که بی‌مو است. تصویر دیگر آن‌که تارهای چنگ به علت بلند و دراز بودن تا پایین پایش می‌رسد؛ مانند موهای بلند. این دو تصویر شکل ظاهری این ساز را تشریح می‌کند.

آن چنگ زرق سار بین، زررشته در منقار بین در قید گیسودار بین، پایش گرفتار آمده

(همان: ۳۸۹)

❑ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال پانزدهم ❖ شماره ۳۴

بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی □ ۹۹

در مصرع نخست این بیت، خاقانی با استفاده از تشبیه مجمل چنگ را به زرّقی تشبیه کرده است که در منقار آن رشته زر (استعاره از تارهای چنگ) دارد. در مصرع دوم نیز گیسودار استعاره از چنگ است که گیسوهای آن تارهایش می‌باشد؛ پس این بیت شکل ظاهری ساز چنگ با تارهای بلند و فراوانش را به ذهن القا می‌کند.

۱-۱-۵- تصویرسازی با بربط

شاعر با استفاده از تشبیه و استعاره با ساز بربط تصاویر مختلف می‌سازد و شکل ظاهری آن را به ذهن القا می‌کند. مانند:

برسر خوان جهان چند چو بربط مقیم سینه و دل را ز آز جمله شکم ساختن

(همان: ۳۱۵)

با استفاده از تشبیه کامل، فرد شکم باره و پرخور دارای شکم به بربط دارای کاسه، تشبیه شده است علاوه بر این، تصویر پرخوری را نیز به ذهن متبادر می‌کند.

بربط اعجمی صفت هشت زبانش در دهن از سر زخمه ترجمان کرده به تازی و دری

(همان: ۴۲۷)

هشت زبان استعاره از هشت سیم بربط است؛ ضمناً در این بیت، به شکل ظاهری ساز اشاره می‌شود.

لاجرم از سهم آن بربط ناهمید را بند رهاوی برفت، رفت بریشم ز تاب

(همان: ۴۴)

با نظر به این که در گذشته سیم سازها را از ابریشم می‌ساختند، می‌توان گفت که این بیت با استفاده از کنایه ایما، تصویر بریده‌شدن و از هم گسستن تارهای ابریشمی را به ذهن متبادر می‌کند که این مطلب به گونه‌ای غیر مستقیم شکل ظاهری بربط با سیم‌ها و تارهای ابریشمی‌اش را بیان می‌کند.

البته باید درباره این ساز می‌توان گفت که «بر» به معنی سینه و «بط» به معنی مرغابی است؛

۱۰۰ □ بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی

وجه تسمیه این نام و بربط مربوط به شکل ظاهری ساز (کاسه بربط) می‌باشد که شبیه سینه مرغابی است. (ستایش گر، ۱۳۷۴: ۹۸) برخی نیز نام بربط را شکل دیگر یا شکل تغییر یافته نام باربد، خنیاگر معروف عصر ساسانی، می‌دانند.

۱-۱-۶- تصویرسازی با نای

خاقانی ساز نی را در بعضی ابیات به مدد آرایه تشبیه به تصویر می‌کشد و بدین ترتیب شکل ظاهری آن را به ذهن القاء می‌کند. مانند:

نخست از من زبان بستد که طفل اندر نوآموزی چون نایش بی‌زبان باید نه چون بربط زباندانش

(خاقانی: ۲۰۹)

بی‌زبانی نای و زباندانی بربط تشخیص است؛ بربط به دلیل داشتن تارهایش گویی زباندان است؛ پس با استفاده از تشخیص، شکل ظاهری نای و بربط به ذهن القا می‌شود.

نای عروسی از حبش ده ختنیش پیش و پس تاج نهاده بر سرش از نی قند عسگری

(همان: ۴۲۷)

شاعر با استفاده از تشبیه مرکب سیاه، نی را به عروسی تشبیه کرده که خودش سیاه است و ده غلام سفید (انگشتان نایی) در اطرافش می‌باشد؛ پس در این بیت به تصویر شکل ظاهری ساز اشاره دارد.

نای است یکی مار که ده ماهی خردش پیرامنش نه چشم کند مار فسایی

(همان: ۴۳۵)

در این بیت با استفاده از تشبیه موکد، نای را به مار تشبیه کرده است هم چنین شکل ظاهری نای در ذهن مخاطب متبادر می‌شود که ده بند و نه سوراخ دارد.

نای بی‌زبان: نای به دلیل نداشتن تار گویی بی‌زبان است؛ البته در موسیقی نای بی‌زبان

منظور نی هفت‌بند است (ستایش گر، ج ۲: ۴۸۵)

۷-۱-۱- تصویرسازی با ارغنون

شاعر با استفاده از انواع آرایه‌ها (مخصوصاً تشبیه) شکل ظاهری ارغنون را به تصویر می‌کشد و گاه این ساز را با سازهای دیگر و تصاویر دیگر همراه می‌نماید. مانند:

بی‌دست ارغنون زن گردون به رنگ و شکل شب موی گشت و ماه کمانچه‌ی رباب شد

(خاقانی: ۱۵۶)

تشبیه اساسی این بیت در اضافه تشبیهی ارغنون زن گردون است که شاعر برای قوام دادن به آن از دو تشبیه دیگر بهره برده است. او در تشبیهی اسنادی، شب را به موی و ماه را به کمانچه رباب مانند کرده است علاوه بر مطالب مذکور، تشبیه کردن هلال ماه به هلال کمانچه رباب تصویر هلالی بودن را به ذهن متبادر می‌کند.

۸-۱-۱- تصویرسازی با بربط و نی

گاه شاعر این دو ساز را در کنار هم با به کارگیری آرایه‌های مختلف در یک بیت می‌آورد و تصویری را به ذهن القا می‌کند. مانند:

چون بربطت زبان چه بکارست بهتر آنک چون نای بی‌زبان زنی الحانی صبح‌گاه

(همان: ۳۷۵)

در این بیت با استفاده از تشبیه کامل، انسان پرگو به بربط و انسان کم‌سخن به نای تشبیه شده است. هم‌چنین شکل ظاهری بربط و نای را نیز به ذهن متبادر می‌کند که بربط سیم و تار ندارد. شایان ذکر است که از نظر موسیقی نای بی‌زبان منظور نی هفت بند است (ستایش‌گر، ۱۳۷۴: ۴۸۵)

۹-۱-۱- تصویرسازی با بربط و چنگ

شاعر در ابیاتی گاه ساز بربط و چنگ را در کنار هم قرار می‌دهد و با استفاده از آرایه‌های مختلف با آنان تصویرسازی می‌نماید. مانند:

دستینه بسته بربط و گیسو گشاده چنگ یعنی درم خریده عیدیم و چاکرش

(خاقانی: ۲۲۳)

۱۰۲ □ بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی

گیسوگشادن چنگ تشخیص است؛ هم‌چنین این بیت تصویرشکل ظاهری بربط را نیز القا می‌کند که دارای یک دسته و یک کاسه است هم‌چنین شکل ظاهری چنگ را متبادر می‌کند که با سیم‌های فراوان و منظمش گویی فردی گیسوهای خود را گشوده است.

۱-۱-۱- تصویرسازی با چنگ و رباب

در اثر ملّ نظر گاه به ابیاتی برمی‌خوریم که این دو ساز را در یک بیت آورده است و با آنان به مدد تشبیه و استعاره تصویر می‌سازد. مانند:

در برم آمد جو چنگ گیسو در پاکشان من شده از دست صبح دست بسر چون رباب

(همان: ۴۶)

شاعر با استفاده از تشبیه کامل، معشوق را به چنگ و خود را به رباب تشبیه کرده و گیسو استعاره از تارهای ابریشمی چنگ است؛ بدین ترتیب تصویر شکل ظاهری ساز چنگ و رباب به ذهن متبادر می‌شود.

۲-۱- تصاویر خلق شده با موضوعات مختلف

در این قسمت، شاعر اسامی سازها را به‌گونه‌ای در ابیات در کنار واژه‌های دیگر می‌آورد و با استفاده از آرایه‌هایی چون تشخیص و استعاره تصاویر گوناگونی چون شادمانی و غم و ناراحتی را به ذهن خواننده القاء می‌کند. به نمونه‌هایی از آن در اینجا اکتفا می‌نماییم:

۱-۲-۱- تصاویر شادمانی

گوش رباب از هوا پیام طرب داشت از سه زبان راز آن پیام برآمد

(همان: ۱۴۴)

رباب به صورت شخصی دارای گوش تصویر شده که دارای سه زبان نیز می‌باشد و با آن‌ها پیام می‌دهد؛ اما در مجموع این بیت نشاط و شادمانی را به ذهن القاء می‌کند.

بختش بصبح خیزی تا کوفت کوس دولت گلبانگ کوس او را دستان تازه بینی

(همان: ۴۳۲)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال پانزدهم ❖ شماره ۳۴

۱۰۳ بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی

شاعر دولت را به کوس تشبیه کرده است (کوس دولت: اضافه تشبیهی). هم‌چنین تصویر کوس کوفتن، خبری را به ذهن می‌رساند؛ البته همراهی این کوس با دولت، نوعی شادمانی و تازگی نیز به ذهن می‌رساند.

۱-۲-۲- تصاویر غم و ناراحتی

از چنگ غم خلاص تمنی کنم ز دهر کافغان به نای حلق چوارغن درآورم

(همان: ۲۴۳)

شاعر با استفاده از تشبیه کامل، خودش را به ارغنون تشبیه کرده است؛ بدین‌گونه تصویر ناله و زاری و غم را به ذهن القاء می‌کند؛ همانگونه که ارغنون آهنگ از خود بیرون می‌دهد، حلق من نیز از خود افغان و زاری برون می‌دهد.

گیسوی چنگ و رگ بازوی بربط بیرید گره از چشم نی تیز نگر بگشاید

(همان: ۴۳۵)

گیسوی چنگ، رگ بازوی بربط و چشم نی تشخیص می‌باشند؛ بدین‌گونه که از آنجا که ماتم جوانان بسیار سخت بود و با کارهای شگفت انجام می‌دادند و اشیایی که متعلق به آنها یا حتی وسیله شادی بود از بین می‌بردند، شاعر توصیه می‌کند که گیسوی چنگ و رگ‌های بازوی بربط را ببرند. شایان ذکر است که شاعر با استفاده از صنعت تشخیص، تصویر غم و ناراحتی را به ذهن متبادر می‌کند.

۱-۳- تصویرسازی با شیوه نواختن ساز

گاه در دیوان خاقانی به ابیاتی برمی‌خوریم که با استفاده از آرایه‌هایی چون تشبیه و استعاره و کنایه چگونگی نواختن ساز را شرح می‌دهد و بدین‌گونه تصویری از آن در ذهن مخاطب تداعی می‌گردد.

۱-۳-۱- تصویرسازی با شیوه نواختن نای

شاعر در اشعار خود ابیاتی را می‌آورد که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نحوه نواختن «نای» را به ذهن متبادر می‌کند. این ابیات بسامد بالایی دارند نمونه‌هایی از آنان عبارت است از: نای چو شه‌زاده حبش که ز نه چشم بانگش از آهنگ ده غلام برآمد (همان: ۱۴۴)

با به کارگیری تشبیه کامل، نای به پادشاه حبش تشبیه شده است و چگونگی آوا برآمدن از نای مطرح می‌شود که به وسیله نه سوراخ از ده بند آواز آن بیرون می‌آید. چون نای اگر گرفته دهان دارم جهان ایمن دم ز راه چشم همانا برآورم (همان: ۲۴۴)

شاعر با استفاده از تشبیه کامل، خود را به نای تشبیه و تصویرسازی کرده است. چگونگی نواختن نای را به تصویر می‌کشد؛ کسی که می‌خواهد نای بزند باید دهانش بسته باشد و به درون آن بدمد تا از سوراخ‌ها (چشم‌های نای) آواز و ناله بیرون آید. خپه گشتم دهن و حلق فرو بسته چونای وز سر ناله شما نیز چو نایید همه (همان: ۴۰۸)

شاعر با استفاده از تشبیه کامل خودش را به نای تشبیه کرده است. شایان ذکر است که در مصرع اول تصویر چگونگی نواختن نای را (برای نواختن نای حتما باید نای بین دو دندان بالایی نایی قرار گیرد و دهان بسته باشد و از درون در آن دمیده شود) به ذهن می‌رساند. هم‌چنین ناله‌ای که پس از دمیدن در نای از آن بیرون می‌آید، مدنظر داشته است.

۱-۳-۲- تصویرسازی با شیوه نواختن چنگ

از این مقوله نیز خاقانی در ابیات خود بهره برده است و با شیوه‌های متفاوت نحوه نواختن چنگ را به خواننده یادآوری می‌کند. مانند: چنگی به ده بلورین ماهی آبدار چون آب لـرزه وقت محاکا برافکنند (همان: ۲۴۴)

بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی ۱۰۵

ده بلورین ماهی آبدار استعاره از انگشتان نوازنده چنگ است و باید گفت که این بیت نواختن ساز چنگ را به ذهن القاء می‌کند که به وسیله ده انگشت زده می‌شود. خاقانی در این بیت انگشتان را که بر روی تارهای چنگ به حرکت درمی‌آیند به لرزش که در آب بیفتد و آب موج‌دار شود تشبیه می‌کند.

۱-۳-۳- تصویرسازی با شیوه نواختن عود و نی

خاقانی گاه دو ساز را در یک بیت در کنار هم قرار می‌دهد و با آنان تصاویر متفاوت (نحوه نواختن آنان را) می‌سازد. مانند:

تم از آتش بت سوخته چون عود و نی است چون نی و عود سرانگشت بخاید همه

(همان: ۴۰۷)

سر انگشت خاییدن نی و عود کنایه از حرکت انگشت‌ها بر روی تارهای عود یا روی سوراخ‌های نی در هنگام نواختن است؛ پس می‌توان گفت این بیت تصویر نواختن ساز را به ذهن متبادر می‌کند.

۱-۳-۴- تصویرسازی با شیوه نواختن بربط

خاقانی در ابیات مختلفی ساز بربط را به منظور تصویرسازی مورد استعمال قرار می‌دهد و گاه در ابیاتی شیوه نواختن آن را به ذهن مخاطب القاء می‌کند. نمونه‌ای از آن به شرح زیر است:

بربط از بس چوب کز استاد خورده طفل‌وار ایچد روحانیان بین از زبان انگیخته

(همان: ۲۰۹)

در این بیت بربط به کودکی تشبیه شده که از استاد چوب می‌خورد؛ به بیانی دیگر می‌توان گفت که خاقانی به این مطلب نظر داشته است که بربط در هنگام نواختن به وسیله مضراب مخصوص خود، گویی از استاد خود چوب می‌خورد.

۴-۱- تصویرسازی با شکل ظاهری و شیوه نواختن سازها

در اشعار خاقانی به ابیاتی برمی‌خوریم که شاعر با بیان شیوا و فصیح خود، به طور همزمان در باره شکل ظاهری ساز و چگونگی نواختن آن و حتی تشبیه آن به چیزهای مختلف، تصویر آن ساز و نوع نواختنش را به ذهن القاء می‌نماید. به نمونه‌هایی از آن اکتفا می‌کنیم:

۴-۱-۱- تصویرسازی با بربط و نی

خاقانی در ابیاتی متفاوت دو ساز بربط و نی را در کنار هم می‌آورد و با استفاده از آرایه‌های ادبی علاوه بر شکل ظاهری آن دو، شیوه نواختن آنان را نیز به ذهن متبادر می‌نماید. مانند:

گفت چو بربط مزن ز راه زبان دم دم ز ره چشم زن، چو نای صفاهان

(همان: ۳۵۷)

شاعر بربط و نای را به انسانی مانند کرده که اولی از راه زبان و دومی از راه چشم سخن می‌گوید. شکل ظاهری بربط و نای را نیز به ذهن می‌رساند: بربط سیم و تار دارد که گویی زبانش به حساب می‌آید و نای که سیم و تار ندارد و سوراخ (چشم) دارد گویی بی‌زبان است و از سوراخ‌هایی که چون چشم است، سخن می‌گوید.

۴-۱-۲- تصویرسازی با چنگ

گاه در اثر مدّ نظر به ابیاتی برمی‌خوریم که خاقانی در آن بیت، به تصویرسازی ساز چنگ پرداخته است، بدین گونه که به طور غیرمستقیم علاوه بر شکل ظاهری ساز، نحوه نواختن آن را به خواننده منتقل می‌کند. نمونه‌ای از آن به شرح زیر است:

و آن چنگ گردون فش سرش ده ماه نو خدمت گرش ساعات روز و شب درش مطرب مهیا گشته

(همان: ۳۸۳)

در این بیت علاوه بر این که ده ماه نو استعاره از ده انگشت نوازنده است. شاعر با استفاده

بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی □ ۱۰۷

از تشبیه مرکب، چنگ و ده انگشت نوازنده آن را به آسمانی که ده قمر برای آن خدمت می‌کنند تشبیه کرده که تصویر شکل ظاهری ساز و نواختن آن را به ذهن متبادر می‌کند. هم‌چنین در مصرع دوم منظور از ساعات روز و شب (۲۴) همان تارهای چنگ می‌باشد.

۱-۵- تصویرسازی با اسامی سازها

گاه شاعر با همنشین کردن اسامی سازها در کنار واژه‌های مختلف می‌تواند تصویری مانند تصویر شادی و نشاط رابه ذهن مخاطب القاء کند. نمونه‌هایی از آنان به قرار زیر است:

۱-۵-۱- تصویر شادمانی

انگشت ارغنون زن رومی به زخمه بر تپ لــــرزه تاتننا نــــا پرافکنــــد

(همان: ۱۳۵)

در بیت مذکور شاعر با استفاده از لفظ تاتننا که از شخص دارای تب لرز ظاهر می‌شود، سعی کرده که صدای ساز و ارتعاش تارهای ارغنون را به واسطه زخمه به ذهن مخاطب متبادر کند.

۲- اصطلاحات و سازهای موسیقی (بدون تصویرسازی)

۱-۲- اصطلاحات موسیقی

«تصویر به معنای هر نوع کاربرد زبانی که از هنجار عادی فراتر رود و اعتلا و درخششی یابد و در ذهن خواننده حرکتی ایجاد کند یا عاطفه‌ای را بر انگیزد یا حیرت زده‌اش نماید، به هر حال اوج بگیرد و گرداگردش هاله‌ای خیال انگیز ایجاد شود.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۳۲)

بنا بر تعاریف مذکور ابیات این بخش از پژوهش، نه تصرف بیانی و مجازی در آن‌ها صورت گرفته است و نه باعث برانگیختن عاطفه یا خیال می‌شوند؛ پس می‌توان گفت تصویری را در ذهن مخاطب متبادر نمی‌کنند و گویی خاقانی برای مفاخره یا رقابت با شعرای زمان خود از این

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال پانزدهم ❖ شماره ۳۴

۱۰۸ □ بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی

اصلاحات و سازهای موسیقی بهره برده است.

۲-۱-۱-لحن

کشیدن آواز در سرود. آواز و سرود. درنگ و شتاب در نغمات مختلف که از آن وزن (ضرب)

پیدا شود. (معین، ۱۳۸۰، ج ۳: ۳۵۷۲)

شاعر گاه در ابیات گوناگون الحان مختلف موسیقی را در اشعار خود نام برده است، اما در

تصویرسازی از آنان بهره‌ای نگرفته است. مانند:

نوای باربند و ساز بریط و مزمار طریق کاسه گر و راه ارغنون و سه‌تا

(خاقانی: ۲۹)

نوازش لب جانان به شعر خاقانی گزارش دم قمری به پرده عتقا

(همان)

داود صوت اندوه زدای الحان موسیقی سرای اردیس دم صنعت نمای اعجاز پیدا داشته

(همان: ۳۸۳)

۲-۱-۲-پرده

در اصطلاح موسیقی، دستان و نوا است اما در اصطلاح خاص، نام دوازده آهنگ است:

پرده قمری، پرده بلبل، پرده عراق، پرده خراسان، پرده دیر سال، پرده زنبور، پرده یاقوت، پرده

خرم، پرده نوروز، پرده صفاهان، پرده مجاز و نظایر اینان.

در اصطلاح موسیقی، نت، لحن، آهنگ است یا زه و بندهایی که بر دسته و چنگ و رباب و

تار بندند و بر آوردن اصوات گوناگون انگشت بر آنها نهند. (لغت‌نامه)

خاقانی گاهی در اشعار خود واژه «پرده» را به معنای آهنگ و گاه نیز در معنای همان زهی

که بر دسته سازها می‌بندند به کار می‌گیرد.

نوازش لب جانان به شعر خاقانی گزارش دم قمری به پرده عتقا

(خاقانی: ۲۹)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال پانزدهم ❖ شماره ۳۴

بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی ❏ ۱۰۹

بر لب جام اوفتاد عکس شباهنگ بام خیز درون پرده‌ساز پرده بر آهنگ بام

(همان: ۲۵۹)

۲-۱-۳-تصنیف

تصنیف در لغت ترکیب و ترتیب نواهای موسیقی. در تداول امروزی قول، حراره، سرود ملمع. (لغت‌نامه)

به نظر نگارنده بنا بر یافته‌های مد نظر، خاقانی این واژه را اغلب در معنای امروزی (قول و سرود و...) به کار گرفته است. مانند:

به نام قیصران سازم تصانیف به از ارتنگ چین و تنگلو شـا

(خاقانی: ۲۷)

تصنیف نهاده بر من از جهل الحـق اولیـست آن به بهتـان

(همان: ۳۴۹)

۲-۱-۴-زخمه

مطلق زدن است. نواختن ساز، کوفتن کوس را نیز زخمه گویند. (لغت‌نامه)

شاعر در یک بیت گاه در کنار واژه‌هایی در حوزه موسیقی این اصطلاح را نیز به کار می‌گیرد. مانند:

چه خوش حیات چه ناخوش چه آخرست زوال چه جعد زخمه چه ساده چه خارجست نوا

(خاقانی: ۱۲)

طاق ابروان رامش گزین در حسن طاق وجفت کین بر زخمه سحر آفرین شکر ز آوا ریخته

(همان: ۳۷۸)

۲-۱-۵-نوا

پرده موسیقی عموماً، مقام، لحن، مطلق آواز. (لغت‌نامه)

❏ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال پانزدهم ❖ شماره ۳۴

۱۱۰ بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی

خاقانی این اصطلاح را بیشتر در معنای رایج آن یعنی آواز به کار می‌گیرد، اما تصویرسازی با آن نکرده است.

در کشف فقر بین سوختگان خام پوش بر شجر لانگر مرغ دلان خوش نوا
(خاقانی: ۳۶)

۲-۱-۶-آوا

صدای موسیقی و صدای غیر موسیقی را «آوا» گویند. (خالقی، ۱۳۱۶: ۷)
خاقانی این اصطلاح را مانند دیگر اصطلاح‌های این بخش از پژوهش در کنار اصطلاح‌های دیگر موسیقی می‌آورد، اما تصویرسازی با آن نمی‌کند. مانند:
طاق ابروان رامش گزین در حسن طاق و جفت کین بر زخمه سحر آفرین شکر زآوا ریخته
(خاقانی: ۳۷۸)

۲-۲-انواع سازها

۲-۲-۱-کوس

کوس یا گورگه در واقع همان طبل بزرگی است که در میدان رزم، مراسم درباری و تقاره خانه‌ها بیشتر مورد استعمال بوده است. (شعبانی، ۱۳۵۱، ج ۲: ۹۷)
شاعر از این ساز در اشعار خود بهره فراوان گرفته است و بدین ترتیب باید گفت در این بخش تقریباً این ساز بیشترین کاربرد را نسبت به سازهای دیگر دارد. مانند:
یارب آن کوس چه هاروت فن زهره نواست که زیک پرده صدا لحانش بعمداً شنوند
(خاقانی: ۱۰۱)
بی‌آرزو ملک بریز گلیم فقر کویم کوس بر در ایوان صبح‌گاه
(همان: ۳۷۴)

۱۱۱ بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی

نوای هاتف غیبی ز چار گوشه عرش صدای کوس الهی به پنج نوبه لا
(همان: ۳۹۳)

۲-۲-۲-۲-۲ ارغنون

سازی است از خانواده آلات موسیقی بادی مطلق، از رده ارگ. هم‌چنین سازی است یونانی که ساختمان آن تشکیل می‌شود از سه انبان از پوست گاو میش که به یکدیگر متصل هستند.
(ستایش‌گر، ۱۳۷۴: ۷۲)

شاعر در ابیات مدنظر از این ساز هیچ بهره‌ای در تصویرسازی نگرفته است و نام آن را فقط به عنوان سازی آورده است. مانند:

سار مسکین که نیست چون بلبل رومی ارغنون زن گلزار
(خاقانی: ۱۹۸)

۲-۲-۲-۳ ناقوس

سازی است از آلات خانواده آلات موسیقی کوبه‌ای که دو گونه است: ۱- نوعی از آن از دو پاره چوب تشکیل می‌شده است که با زدن یکی بر دیگری صوتی بر می‌خاسته است. نوع دیگر زنگی است از فلز به اندازه‌های گوناگون که با مهره‌ای که درون آن کار گذاشته‌اند به صدا می‌آید. (ستایش‌گر، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۸۰)

در ابیات زیر ناقوس نیز جزء سازهایی است که شاعر از تصویرسازی با آن خودداری نموده است و نام آن را فقط به عنوان ساز در ابیات خود آورده است.

روم ناقوس بوسم زین تحکم شوم زنار بندم زین تعدا
(خاقانی: ۲۵)

به ناقوس و بزمار و به قنبدیل بیوحنا و شوماس و بجی‌را
(همان: ۲۸)

۱۱۲ بررسی شیوه‌های تصویرگری با سازها و موسیقی در قصاید خاقانی

۲-۲-۴- مولو

سازی است از خانواده آلات موسیقی بادی، از رده نای سازی است که بیشتر شبان یا معتکفان غارها برای سرگرمی خود می‌نواختند. این ساز حقیرترین نای‌ها به شمار می‌آید. (ستایش‌گر، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۶۳)

خاقانی نام این ساز را در ابیات گوناگون آورده است، اما با آن تصویرسازی نکرده است. مانند:

مرا بیتند در سوراخ غاری شده مولوزن و پوشیده چو خا

(خاقانی: ۲۶)

۲-۲-۵- سپید مهره

سازی از خانواده آلات موسیقی بادی بی‌زبان، از رده‌ی بوق که به آن سفید مهره، خرمهره، بوق حلزونی و شیپور حلزونی نیز می‌گویند. (ستایش‌گر، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۳)

بیت زیر نمونه‌ای جالب است از این که خاقانی اسم این ساز را در بعضی از ابیات خود آورده است، اما با آنان تصویرسازی نکرده است.

رعد سپید مهره شاه فلک غلام بر بوقیس لرزه زآوا برفکنند

(خاقانی: ۱۳۵)

۲-۲-۶- بریط

سازی است از خانواده آلات موسیقی و رشته‌ای مقید که به آن عود یا رود نیز می‌گویند. این ساز از یک محفظه طنینی شبیه یک گلابی که از درازا نصف شده باشد و دارای تارهای چهارگانه (بم، مثلث، مثنی، زیر) است. (ستایش‌گر، ۱۳۷۴: ۱۴۳)

خاقانی از این ساز در بعضی ابیات فقط نام می‌برد و با آن تصویرسازی نمی‌کند. مانند:

ساز آن رعنا صاحب بریط اندر بزم چرخ سوز از آن قرای صاحب طبلسان انگیخته

(خاقانی: ۳۹۵)

❑ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال پانزدهم ❖ شماره ۳۴

به استوانه‌ای چوبی یا نئی یا فلزی اطلاق می‌گردد که دو سر آن باز است و از راس استوانه در آن می‌دمند. این ساز بسته به جنس استوانه و چگونگی ساختمان و نواختنش نام خاصی دارد: نی هفت بند، نی ساده، نی انبان، نی لبک، نی دو زبانه، نی رویین، نی زرین، فلوت و نی، نی سیمین (ستایش‌گر، ۱۳۷۵، ج ۲: ۶۹۷-۶۹۶)

شاعر از این ساز گاه فقط نام می‌برد و هیچ‌گونه تصویری با آن نمی‌سازد. مانند:
گر همی پیر سحرخیز به نی برد تب نی بجویید و سوی پیر گراید همه
(خاقانی: ۴۰۷)

از خانواده آلات موسیقی رشته‌ای مقید از رده بربط یا عود و معادل بر بط یا عود در زبان عربی کران یا مزهر می‌باشد. (ستایش‌گر، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۰۱)
این ساز نیز مانند دیگر سازهای این بخش گاه فقط نامی از آن برده شده است و در زمینه تصویرسازی جایگاهی ندارد. مانند:
آن بارید که امسال از چرخ نیک بادش شعرم به ملح سلطان برداشته به مزهر
(خاقانی: ۱۹۳)

نتیجه

با توجه به آنچه در این مقاله بیان شد، می‌توان گفت که خاقانی انواع سازهای روزگار خود را به خوبی می‌شناخته و با مهارت از اصطلاحات و سازهای موسیقی در قصاید خود بهره برده است.

در اشعار وی سازها و اصطلاحات موسیقی به دو شیوه مورد توجه قرار گرفته است:

۱- سازها و اصطلاحاتی که با آنان تصویرسازی کرده است.

۲- سازها و اصطلاحاتی که بدون هیچ تصویرسازی آورده شده‌اند.

در میان سازها و اصطلاحاتی که بدون تصویرسازی آمده‌اند، کوس و لحن بسامد بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند؛ اما در دسته دوم تصویرسازی با شکل ظاهری ساز، چنگ بیشترین بسامد را داراست و کوس بسامد کمتری دارد.

در مجموع در مقایسه میان این دو دسته، دسته دوم که تصویرسازی است بسامد بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد؛ گویا خاقانی خواسته است با اطلاعات موسیقی که در اختیار دارد به صورت دقیقی تصویرسازی کند.

شایان ذکر است که در این تصویرسازی‌ها گاهی تکرار مضامین نیز صورت گرفته است؛ مثلاً تشبیه دف به شکارگاه یا تشبیه نای بی‌زبان به انسان بی‌زبان و... علاوه بر این که به شکل ظاهری ساز و یا چگونگی نواختن آن اشاره می‌کند با استفاده از آن توانسته است مضمون‌سازی کند؛ اما این مضامین در قصاید خاقانی بسیار تکرار شده‌اند و تغییر اندکی در آن‌ها صورت گرفته است.

با توجه به تصاویر دقیقی که خاقانی از سازهای مختلف ارایه داده است می‌توان گفت که او همه این سازها را دیده و با اشکال سازها و انواع الحان آشنایی داشته و به یاری ذهن خلاق و ذوق سرشار تصاویر بسیار زیبایی خلق کرده است که در شعر فارسی نظایر آن‌ها کمتر دیده می‌شود.

منابع و مأخذ

- ۱- امامی، نصرالله. ارمغان صبح. تهران: جامی، ۱۳۸۷.
- ۲- حسنی، سعدی. تاریخ موسیقی از پیدایش تا دوره کلاسیک. تهران: انتشارات بنگاه صفا علیشاه، (بی‌تا).
- ۳- خاقانی شروانی. دیوان خاقانی شروانی. تهران: زوار، چاپ نهم، ۱۳۸۸.
- ۴- خالقی، روح‌الله. نظری به موسیقی. تهران: آفتاب، ۱۳۱۶.
- ۵- دهخدا. لغت‌نامه. ج ۴، ۵، ۸، تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷.
- ۶- ستایش‌گر، مهدی. واژه‌نامه موسیقی ایران زمین. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴.
- ۷- _____، _____. واژه‌نامه موسیقی ایران زمین. ج ۲، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۵.
- ۸- سجادی، ضیال‌الدین. لغات تعبیرات. اصطلاحات دیوان خاقانی، ۱۳۶۳.
- ۹- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. صور خیال در شعر فارسی. تهران: انتشارات آگاه، چاپ سوم، ۱۳۶۶.
- ۱۰- شعبانی، عزیز. شناسایی موسیقی ایران (سازهای ملی)، ج ۲. شیراز: چاپخانه مصطفوی، ۱۳۵۱.
- ۱۱- طغیانی، اسحاق و دیگران، «توصیف و تصویرگری در منظومه حماسه علی‌نامه»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی: دانشگاه باهنر کرمان، ۱۳۸۵.
- ۱۲- فتوحی، محمود. بلاغت تصویر. تهران: سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- ۱۳- کزازی، میرجلال‌الدین. رخسار صبح. تهران: مرکز، ۱۳۷۶.
- ۱۴- کمال پورتراب، مصطفی. تئوری موسیقی. تهران: چشمه، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- ۱۵- معین، محمد. فرهنگ معین. ج ۳، تهران: امیرکبیر، چاپ هجدهم، ۱۳۸۰.